

تطبیق قواعد تفسیری بر تفسیر آیت‌الله فاضل لنکرانی از آیه تطهیر

معصومه شریفی^۱، طاهره ماهرزاده^۲

چکیده

مفسران در علم تفسیر برای کشف مراد خداوند متعال از آیات قرآن نیازمند قواعد خاص تفسیری هستند. به هر میزان مفسر از قواعد بهره‌بردار تفسیر او از خطا در کشف مراد خداوند مصون خواهد بود. آیه تطهیر از جمله آیات مهم و اختلافی میان شیعه و اهل سنت است که یکی از محورهای اختلاف را می‌توان در بهره‌مندی از قواعد تفسیر در میان مفسران جست‌وجو کرد. در نوشتار حاضر قواعد تفسیر در تفسیر آیه تطهیر در کتاب اهل البیت آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمته‌الله تبیین می‌شود و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با شیوه تحلیلی - توصیفی درصدد تطبیق قواعد در تفسیر آیه است. مهمترین قواعد به‌کار رفته عبارتند از: توجه به قرائن متصل لفظی و غیر لفظی، توجه به قرائن منفصل، لزوم کاربرد علم و علمی، توجه به قواعد ادبیات عرب، توجه به مفاهیم کلمات در زمان نزول، قاعده تمایز و معنای حقیقی لفظ از غیر آن. **واژگان کلیدی:** قواعد تفسیر، آیه تطهیر، فاضل لنکرانی رحمته‌الله.

۱. مقدمه

قرآن کریم تنها کتاب هدایت بشریت تا پایان حیات انسان است. مسلمانان همواره در طول تاریخ توجه ویژه‌ای به قرآن داشته‌اند و پیرامون آن فعالیت‌های بسیاری در زمینه‌های مختلف درباره قرآن انجام داده‌اند. اهتمام چشمگیر مفسران در طول تاریخ شاهی بر این مدعاست. از ابتدای نزول قرآن تاکنون مفسران بسیاری با هدف کشف مراد خداوند متعال به تفسیر قرآن پرداخته‌اند، اما با وجود اهتمام فراوانی که داشته‌اند در تفسیر برخی از آیات اختلاف نظر میان مفسران به چشم می‌خورد از جمله آیات مورد بحث و مناقشه میان مفسران شیعه و اهل سنت، آیه تطهیر

۱. دانش‌پژوه کارشناسی قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی رحمته‌الله العالمیه، افغانستان.

۲. استادیار تفسیر تطبیقی، عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی رحمته‌الله العالمیه، ایران. (نویسنده مسئول)

است. مفسران شیعه شأن نزول این آیه را منحصر در پنج تن آل عبا بیان می‌کنند. علمای اهل سنت نظرات متفاوتی درباره شأن نزول آیه آورده‌اند. برخی در مصداق اهل بیت با مفسران شیعه هم‌نظر هستند، ولی در معنای اراده، رجس و ... با شیعه تفاوت نظر دارند. برخی همسران پیامبر ﷺ را نیز مصداق آیه تلقی می‌کنند و منحصر در پنج تن آل عبا نمی‌دانند. بی‌شک مراد خداوند از آیات قرآن، یک حقیقت بیشتر نیست. وجود شیوه‌های مختلف تفسیری و اختلاف‌ها و اشتباه‌های مفسران حاکی از آن است که هر کس که به تفسیر آیات کریمه و فهم مراد خدای متعال از آن بپردازد نیازمند آن است که قواعد متقنی را بر مبنای بدیهیات عقلی و قطعیات و مسلمات شرعی و ارتکازات عقلایی برای تفسیر شناسایی کند و شیوه تفسیر خود را بر آن استوار کند تا هم شیوه تفسیر او بی‌مبنا و استحسانی نباشد و هم در موارد اختلاف انتخاب او بی‌ملاک و گزاف نباشد و هم با رعایت آن قواعد، خطاهای تفسیری او کم شود و به مراد واقعی خداوند بیشتر از دیگران دست یابد. (بابایی، ۱۳۷۹، ص ۶۲) برخی فقها و مجتهدین به صورت موردی آیات را تفسیر کرده‌اند. هر چند یک تفسیر کامل نداشته‌اند، ولی براساس روش و قواعد تفسیری به سراغ تبیین مراد خداوند متعال از آیات قرآن رفته‌اند و تفسیری ماندگار را رقم زده‌اند. آیت‌الله فاضل لنکرانی از فقهای است که در تفسیر آیه تطهیر، روشمند عمل کرده است که در نوشتار حاضر قواعد تفسیری به کار رفته این مجتهد با شیوه توصیفی-تحلیلی با متن تفسیر ایشان تطبیق می‌شود.

۲. پیشینه

از گذشته تاکنون مطالعات و پژوهش‌های بسیاری درباره آیه تطهیر انجام شده است که هر یک به صورتی خاص از وجوه مختلف تفسیری، ادبی، کلامی، تاریخی و ... به آن پرداخته‌اند و با رویکردهای متفاوت نتایجی را ارائه داده‌اند، ولی رویکردی به قواعد تفسیری نداشته‌اند. مقاله‌ای با عنوان کارکردهای قاعده تعلیق الحکم علی الوصف المشعر بالعلیه در تفسیر آیه تطهیر (رضایی هفتادار، زارعی، ۱۳۹۷) تألیف شده است که فقط یک قاعده در تفسیر آیه تطهیر را بررسی کرده است. نوشتار حاضر با شیوه توصیفی-تحلیلی به قواعد به کار رفته در تفسیر آیه تطهیر از کتاب تفسیر اهل البیت آیت‌الله فاضل لنکرانی پرداخته شده است و به این پرسش پاسخ داده می‌شود که در تفسیر آیه تطهیر از آیت‌الله فاضل رحمته‌الله علیه قواعد چگونه تطبیق و تحلیل می‌شود.

۳. تعریف قواعد تفسیری

- قواعد تفسیر به ضوابط کلی گفته می‌شود که مفسر در تلاش تفسیری خود باید آن را رعایت کند و در چارچوب آن به تفسیر بپردازد. (رجبی، ۱۳۸۳، ص ۴)

- قواعد تفسیر مجموعه ضوابط کلی است که مفسر در هنگام تفسیر باید با رعایت آنها و براساس آنها به تفسیر بپردازد. توجه به مفاهیم واژه‌ها در زمان نزول مدنظر قراردادن همه معانی واژه‌ها، درنظرگرفتن قرائن، مبنا قراردادن علم و علمی، درنظرگرفتن انواع دلالت‌ها و مانند آنها از جمله قواعد تفسیر قرآن است. (بابایی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۳)

- قاعده التفسیر: «هی القضية الكلية التي يتوصل بها الى استنباط معاني القرآن؛ قاعده تفسیر قضایای کلی‌ای است که با به‌کارگیری آن به استنباط معانی قرآن می‌رساند». (فاکر میدی، ۱۳۸۵، ص ۳۳)

- قوانین کلی که واسطه استنباط از آیات قرآن قرار می‌گیرد و مخصوص آیه و سوره خاص نیست. به عبارت دیگر قوانین کلی که حد وسط و کبرای قیاس در هنگام استنباط مطالب تفسیری از آیات قرار می‌گیرد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸، ص ۲۵۰)

- قواعد تفسیر، دستورالعمل‌هایی کلی برای تفسیر قرآن مبتنی بر مبانی عقلی، نقلی و عقلایی است که با وجود آنها تفسیر ضابطه‌مند می‌شود و با رعایت آنها خطا در فهم معنا و مراد آیات کاهش می‌یابد. (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۱۶)

تعریف اخیر با توجه به اینکه به مبانی و ضرورت قواعد و فایده مترتب بر به‌کارگیری قواعد اشاره شده است نسبت به دیگر تعاریف کامل‌تر است. صاحب‌نظران گونه‌های مختلفی از قواعد تفسیری مطرح کرده‌اند که برخی از مهمترین آنها عبارتند از: شناخت قرائت واقعی قرآن، توجه به مفاهیم کلمات در زمان نزول، نقش قواعد ادبیات عرب در تفسیر قرائن متصل لفظی، قرائن متصل غیر لفظی، قرائن منفصل، مبنا قراردادن علم و علمی و درنظرگرفتن دلالت‌ها.

۴. تحلیل و تطبیق قواعد تفسیر

آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمته‌الله‌علیه مفاد آیه: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳) را به‌طور عمیق بررسی کرده است و در طی پنج نکته، آن را تفسیر کرده و به نتایج ارزشمندی به‌دست آورده است که عبارتند از:

- ارتباطی بین آیه تطهیر و آیات مربوط به بانوان رسالت وجود ندارد و شواهد حاکی از آن است که اهل بیت علیهم السلام موقعیتی خاص داشتند و زنان پیامبر صلی الله علیه و آله از این عنوان خارج هستند؛

- آیه تطهیر به صورت مستقل نازل شده است و تدوین در موقف خاص به دست خود پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است تا رفع توهم از آیات قبل شود. به عبارت دیگر نشان دهد که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به دیگر اعضای خاندان ایشان موقعیت خاصی دارند؛

- معنای اراده در جمله انما یرید الله اراده تکوینی است؛

- معنای رجس از منظر قرآن، امراض قلبی و آنچه موجب ضیق صدر می شود، است؛

- منظور از کلمه اهل البیت در آیه تطهیر همان پنج تن آل عباست و مثبت زمامداری اهل

بیت علیهم السلام است (ر.ک.، فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ۷/۶).

نکات مطرح شده در تفسیر آیه می رساند که این فقیه عالی مقام در تفسیر آیات، روشمند عمل می کند. ایشان اگر چه به اصطلاح قواعد تفسیر و عناوین آن در تفسیر آیه اشاره نکرده است، اما استفاده از قواعد در تفسیرش به طور کامل ملموس است.

۵. قرائن متصل غیر لفظی

قرائن، اموری هستند که به نحوی با کلام ارتباط لفظی یا معنوی دارند و در فهم مفاد کلام و درک مراد جدی گوینده مؤثر باشند، خواه به کلام پیوسته باشند که قرائن متصل و خواه گسسته باشند که قرائن منفصل نام می گیرند. قرائن متصل به کلام پیوند خورده اند و از ابتدا در دلالت لفظها و عبارت ها بر مقصود، نقش دارند و مراد گوینده را تعیین می کنند. قرائن پیوسته، خود به قرائن لفظی و غیر لفظی تقسیم می شوند. توجه به فضای نزول و فضای سخن از قرائن متصل غیر لفظی تفسیر است. (ر.ک.، رجبی، ۱۳۸۳، ص ۷۶)

۵-۱. فضای نزول

مقصود از فضای نزول اموری مانند سبب نزول، شأن نزول، فرهنگ زمان نزول، زمان و مکان نازل شده استف پس در دلالت آیات مؤثرند و از قرائن پیوسته آیات شریفه هستند و توجه به آنها در تفسیر ضرورت دارد. (رجبی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۸) آیت الله فاضل با رعایت این قاعده ابتدا به زمان و مکان نزول آیه اشاره می کند و در ابتدای نکته اول تفسیر به بیان مکان نزول اشاره کرده است. براساس نظر ایشان این آیه در مدینه و در اواخر عمر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است.

همچنین فضای نزول با شرح مختصری برای مخاطب روشن شده است و بعد از آن به تبیین فضای سخن از چند آیه قبل اشاره شده است تا با فضای سخن در آیه تطهیر مقایسه شود (ر.ک.، فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ص ۸). برای تبیین سبب نزول و شأن نزول آیه، ایشان از ده روایت استفاده کرده است و می‌فرماید: «برای تحقیق در استقلال جمله و نزول آیه تطهیر به‌طور جداگانه و به‌تنهایی باید به شأن نزول آن توجه بیشتری کرد؛ زیرا با ملاحظه شأن نزول واضح می‌شود که جمله «انَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ» جداگانه و در موقعیت خاص برای پی‌ریزی یک مهم اساسی نازل شده است البته برای بررسی کیفیت نزول راهی جز ملاحظه اخبار وارده از طریق عامه و خاصه نیست» (فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ص ۳۰). در ادامه ایشان وارد بحث روایی می‌شود و شأن نزول آیه را با استفاده از روایات بررسی می‌کند. در نهایت به این نتیجه می‌رسد که آیه تطهیر در خانه ام سلمه نازل شده است و در شأن پنج تن آل عبا به‌صورت مستقل و جدا از قبل و بعد آیه است. به این ترتیب این مرجع عالی قدر، فضای نزول را با استناد به روایات موثق تبیین می‌کند و وارد فضای سخن آیه می‌شود.

۵-۲. فضای سخن

گوینده، مخاطب و موضوع سخن سه محور اساسی یک سخن را تشکیل می‌دهد. بی‌شک هنگامی یک سخن درست فهمیده و تفسیر می‌شود که فهم‌کننده سخن از ویژگی‌های سه محور یادشده، آگاه باشد و سخن را با توجه به آن ویژگی‌ها بفهمد. همچنین لحن سخن، مقام سخن و معارف قطعی عقلی تأثیر ویژه‌ای در فهم آن دارد. مجموعه امور یادشده را فضای سخن می‌نامند. (رجبی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۰؛ فاخر میبیدی، ۱۳۸۵، ص ۳۹۰)

۵-۲-۱. توجه به مقام سخن

منظور از مقام سخن هدفی است که گوینده برای تحقق آن، سخن می‌گوید. برای مثال هرگاه گوینده برای مدح و تمجید شخصی سخن بگوید مقام آن سخن، مدح است و اگر برای نکوهش و تحقیر کسی سخن بگوید مقام آن سخن، نکوهش است و اگر برای استدلال و اقامه دلیل بر مطلبی سخن بگوید مقام آن سخن، استدلال است و اگر برای قانع کردن مخاطب و اثبات مطلبی برای او به استناد مطالب مورد قبول وی سخن بگوید مقام سخن مقام جدل است. بر این اساس در تفسیر آیات کریمه نیز باید در مقام سخن توجه شود و ظهور واژه‌ها و جمله‌ها با توجه به آن

به دست می آید؛ زیرا مفاد ظاهری آیات را باید براساس روش معمول در محاورت عرفی به دست آورد. به همین دلیل مفسران نیز در مواردی برای تفسیر آیات کریمه از مقام سخن کمک گرفته اند و به آن استناد کرده اند. (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۴؛ فاخر میبیدی، ۱۳۸۵، ص ۳۹۳)

آیت الله فاضل برای بیان و بررسی مقام سخن می فرماید: «در باره زنان پیغمبر هرگز از آیات مربوطه رایحه بلندپایگی، و متجلی بودن به صورت زنان فوق فضیلت استشمام نمی شد، اما از لحن آیه «انما یرید الله» استشمام این مزایا در حق عده ای برگزیده می شود، انحصار فضیلت در این اعضای معدود و محدود، مفاد آیه است که از کلمه ائما که دلیل بر حصر است و تقدیم عبارت عنکم بر اهل البیت و فتح کلمه اهل که دلیل بر اختصاص است، استفاده می شود. «خدا تنها از شما نه زنان شما - اهل البیت - شما طبقه خاصه اراده فرموده قذارات و امراض و ... را بزداید و شما را یکپارچه و پاک و دارای نهادی پاکیزه و روانی ناآلوده فرماید». (فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ص ۷۳) از سخن ایشان می توان پی برد که مقام سخن را در تفسیر آیه شریفه مورد توجه قرار داده است.

۵-۲-۲. توجه به لحن کلام

در آیات قرآن کریم به دلیل آنکه دلالت آنها بر معنای ظاهر براساس اصول عقلانی محاوره است، قرینه بودن لحن در فهم آیات آشکار است و بر این اساس در تفسیر آیات کریمه باید به لحن کلام اعم از نوشتاری و گفتاری نیز توجه شود. لحن نوشتاری آیات از دقت در خصوصیت کلمات و ترکیب و سیاق آنها به دست می آید و لحن گفتاری آنها را باید از اخبار موثق تاریخی و روایات معتبر معصومان علیهم السلام و شواهد قطعی دیگر جست و جو کرد. (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۶) آیت الله فاضل در نکته اول با رعایت لحن کلام به تغییر ضمیر در عبارت: «إِنَّمَا یریدُ اللهُ لَیْدُھِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ البَیْتِ وَ یَطْهَرُکُمْ تَطْهِیرًا» (احزاب: ۳۳) اشاره کرده است (احزاب: ۲۸-۳۲). ایشان با استناد به قواعد ادبیات عرب به تغییر خطابات و مقام کلام در تفسیر خود توجه نشان داده است (ر.ک.، فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹).

۶. قرائن متصل لفظی

قرائن پیوسته، متصل به کلام و پیوندخورده به آن است و از ابتدا در دلالت لفظها و عبارتها بر مقصود نقش دارد و مراد گوینده را تعیین می کند. سیاق قرینه لفظی متصل است. (رجبی،

۱۳۸۳، ص ۹۱؛ فاکر میبیدی، ۱۳۸۵، ص ۲۸۰) وی در تفسیر خود با توجه به دو شرط، تحقق سیاق که ارتباط صدوری و ارتباط موضوعی است در تفسیر آیه تطهیر به آیات ماقبل و مابعد توجه نشان داده است و تحقق شروط را منتفی اعلام می‌دارد. از این رو سیاق در تفسیر آیه جایگاهی ندارد که به اختصار تبیین می‌شود.

۷. لزوم احراز ارتباط صدوری و موضوعی کلام در توجه به سیاق

در جمله‌ها و آیات، تحقق سیاق معتبر و مؤثر در معنا و ظهور کلام منوط به دو شرط است و با فقدان هر یک از آن دو شرط، سیاق معتبر و مؤثر در ظهور جمله‌ها و آیات محقق نمی‌شود: یکی ارتباط صدوری و دیگری ارتباط موضوعی. (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۴) در تفسیر هر آیه باید بررسی شود که آن آیه مستقل و جدا از آیات قبل نازل شده است یا با آیات قبل و بعد پیوستگی در نزول داشته است. اگر مستقل نازل شده باشد در فهم ظهور آن نباید به سیاق توجه شود و باید ظهور آن را بدون توجه به آیات قبل و بعد به دست آورد و اگر پیوسته با آیات قبل و بعد نازل شده باشد باید ظهور آن را با توجه سیاق به دست آورد. البته اگر میان آیاتی که پیوستگی در نزول دارند، معترضه بودن آیات، آیه یا جمله‌ای محرز باشد در تفسیر نباید به سیاق توجه شود. از جمله راه‌های دیگری که در این مورد می‌توان از آنها سود جست توجه به نوع بیان، آهنگ و هدف آیه‌ها و جمله‌ها و روایات ناظر بر آنهاست (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۲).

در این کتاب قبل از پرداختن به آیه تطهیر برای بررسی سیاق آیه از آیه ۲۸ که مربوط به زنان پیامبر ﷺ است شروع به بحث و بررسی کرده‌اند. (ر.ک.، فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ۱۰/۹) ایشان نظر خود را به این شکل بیان می‌کنند: «اگر فرض کنیم که در ردیف آن آیات، آمدن و وحدت سیاق این اقتضا را دارد - اقتضای شمول یا انحصار - این فرض جز قرینه بودن وحدت سیاق بر مدعای آنها نیست، ولی این قرینه تاب مقاومت در برابر روایات کثیری که تصریح می‌کرد اهل البیت منحصرأ همان پنج نفر پاک‌سرشتند و زنان پیغمبر بیرون از این عنوان هستند و شخص عایشه و ام سلمه همین معنا را اذعان و اقرار داشته‌اند، ندارد» (فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ص ۴۴) به این ترتیب ایشان عدم ارتباط صدوری و موضوعی آیه تطهیر با آیات قبل و بعد آن را اثبات کرده و برای این امر به لحن سخن و هدف آیه نیز توجه کرده است.

۸. قرائن منفصل آیات

قرائن منفصل کلام، اموری لفظی و غیر لفظی جدای از کلام گوینده، ولی مرتبط با آن و مؤثر در فهم مراد گوینده از آن هستند. (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۲) آیات مرتبط و روایات و اخبار تاریخی قرائن منفصل لفظی هستند و معلومات عقلی، نظری و ضرورت‌های دینی، مذهبی و اجماع‌های معتبر از قرائن منفصل غیر لفظی هستند. آیت‌الله فاضل با شناخت کامل از این قرائن به خوبی در تفسیر آیه تطهیر بهره برده است.

۹. لزوم شناسایی همه آیات مرتبط

برای پی بردن به مراد خداوند متعال از هر آیه باید قرائن منفصل آن آیه، شناسایی و حتی از قرائن احتمالی آن جست‌وجو شود و با توجه به جمیع قرائن منفصل، مراد خدای متعال از آن آیه به دست آید و بدون توجه به قرائن منفصل شناخته شده، حتی قبل از فحص از قراین احتمالی نمی‌توان ظاهر آیات را مراد خدای متعال دانست و به آن استدلال کرد. (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۳) برای نمونه ایشان در تبیین کلمه رجس در آیه تطهیر به آیات متعددی در نکته چهارم اشاره می‌کند (مائده: ۹۰-۹۱؛ انعام: ۱۲۵، توبه: ۱۲۴-۱۲۵). در نکته پنجم نیز برای تبیین کلمه اهل بیت از آیات (شعرا: ۲۱۴؛ هود: ۷۳) استفاده کرده است (ر.ک.، فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ۱۱۳/۱۰۵). همچنین در اثبات انفصال آیه تطهیر از آیات ماقبل و مابعد برای مخاطبیین شواهد متعددی از قرآن کریم می‌آورد که آیات معترضه میان آیات است. به این ترتیب عدم ارتباط موضوعی و صدور آیه شریفه را ثابت می‌کند. ایشان در نکته دوم به شبهه‌کنندگان که وجود آیه معترضه را مخل به فصاحت قرآن مطرح می‌کند آیاتی را به عنوان شاهد ذکر کرده است تا ثابت کند که جمله‌ی معترضه در سایر آیات قرآن نیز وجود دارد و به بلاغت و فصاحت قرآن ضربه‌ای وارد نمی‌کند (فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ۷۷/۷۶).

۱۰. لزوم توجه به همه روایات مرتبط

روایات معتبری که در بیان قیود و تبیین مقصود آیات از پیامبر گرامی اسلام ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام به رسیده‌اند نیز از دیگر قرائن منفصل آیات هستند که در تفسیر آیات باید به همه آنها توجه کرد. (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۸) روایات با مجموعه‌ای از شروط، قابل پذیرش است که عبارتند از: اول اینکه راویان آن موثق باشند، روم اینکه دلالت آن قطعی یا ظاهر باشد، سوم اینکه

شاهد قطعی بر کذب و واقعیت‌نداشتن یا تقیه‌ای بودن آن نباشد، چهارم اینکه روایت معتبر دیگری معارض آن نباشد؛ زیرا به صورت عقلی به آن اعتماد می‌کنند و به آن ترتیب اثر می‌دهند و ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز روش عقلا را تأیید کرده‌اند و علمی است و می‌توان آن را مبنا و مستند تفسیر قرار داد (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۲۲۴). ایشان در نکته اول برای اثبات اینکه خطاب آیه تطهیر، زنان پیامبر صلوات‌الله‌علیه‌م‌وآل‌ه‌م‌وسلم نیست از شواهد و روایات تاریخی استفاده کرده‌اند. برای نمونه می‌توان به مکاتبه ام سلمه و عایشه، مکاتبه عایشه و زیدبن صوحان و گفت‌وگوی ابن عباس و عایشه که ایشان در تفسیر خود آورده‌اند، اشاره کرد (ر.ک.، فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ۲۰/۱۵). ایشان در ادامه می‌فرماید: «این مکاتبات و گفت‌وگوها نمونه‌هایی است روشن‌گر. مفاد آیه تطهیر روشن می‌کند که آیه مذکور رابطه‌ای با زوجات نبی ندارد و امثال این روایات در گفتار رجال دینی بی‌شمار است» (فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ص ۲۲).

ایشان برای بررسی فضای نزول در نکته دوم به شش روایاتی که درباره شأن نزول این آیه است توجه نشان می‌دهد و بعد از جرح و تعدیل راویان آن به عنوان روایاتی معتبر به آن استشهاد می‌کند، سپس روایات معارض را بررسی می‌کند و با اثبات جرح راویان این روایات از جمله عکرمه، مقاتل بن سلیمان و عروه بن زبیر، اعتبار روایات معارض را رد می‌کند و آنها را زیر سؤال می‌برد. (فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ۴۴/۳۸) او می‌گوید که محدث بحرانی در غایه‌المراد ۳۴ روایت از طریق شیعه مطرح کرده است، ولی اختصار به برخی از روایات که در تفسیر نورالثقلین آمده است را شاهد آورده است: (فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ص ۴۵) روایت ابی‌الجارود از امام باقر علیه‌السلام، احتجاج امیرالمؤمنین علیه‌السلام در شورای شش نفره در کتاب عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، روایت سلیم بن قیس هلالی در کتاب اکمال‌الدین و اتمام‌النعمه، صحیحه ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام. وی در ادامه نتیجه می‌گیرد که روایاتی که در بخش طرق عامه بررسی شد با روایات طریق شیعه هماهنگی دارد و از مجموع این روایات به این نتیجه رسید که آیه تطهیر در خانه ام سلمه به صورت مستقل و جداگانه بر پیامبر صلوات‌الله‌علیه‌م‌وآل‌ه‌م‌وسلم نازل شد و تنها مصداق آن پنج تن آل عبا هستند (ر.ک.، فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ۴۸/۴۵).

۱.۱. لزوم توجه به معلومات عقلی نظری

برخی از معلومات و معارفی که با نیروی عقل برای انسان حاصل می‌شود معلومات و معارفی هستند که برای دستیابی به آنها به فکر و استدلال نیاز است، اما معرفت‌های عقلی بدیهی به فکر و استدلال نیاز ندارند و برای مخاطبان از آغاز مواجه شدن با کلام آشکار می‌شوند و از قرائن متصل هستند، اما معلومات نظری چون با اندیشه و استدلال حاصل می‌شوند و از آغاز برای مخاطبان آشکار نیستند، از قرائن منفصلند (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۲) آیت‌الله فاضل نیز از این قاعده به خوبی استفاده کرده است. ایشان در تبیین عقلی مستقل بودن آیه می‌گوید: «آیه تطهیر آیه مستقلی است و در موقعیت مخصوصی نازل شده و در قرارگرفتن آیه مستقلی در ذیل آیه دیگر و مجموع یک آیه به حساب آمدن، رمزی است که جز وحی آورنده تشخیص نمی‌دهد به‌ویژه با در نظر گرفتن اینکه اول آیه، خطاب به افراد دیگر و بانوان حریم رسالت است و اگر تدوین کتاب واگذار به مردم گردیده بود هر چه تخصص هم داشته باشند از اول «و قرن فی بیوتکن» تا کلمه تطهیر را به صورت یک آیه منظم نمی‌کردند، پس هیأت فعلی تدوین دلیل بر آن است که نبی مکرم وحی آور دستور این گونه موضع‌گیری را فراموش کرده است» (فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ص ۶۸). براساس روایات مورد اعتماد و مشهور میان همه، آیه تطهیر شامل شخص نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هم می‌شود و هیچ راهی جز آنکه گفته شود اهل‌البیت یعنی، مجتمعین در آن بیت معین نیست؛ زیرا روشن است که کلمه اهل‌البیت با سایر معانی قابل انطباق با نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیست» (فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ص ۱۱۶).

۱.۲. استفاده از معلومات نظری

در تفسیر آیات باید به معلومات عقلی نظری چه عمومی و چه فلسفی توجه شود و مراد خدای متعال از آیات با توجه به آن معلومات به‌دست آید. (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۸) ایشان قبل از ورود به بحث اراده در آیه تطهیر، معنای اراده از نظر تکوینی و تشریحی بودن در آیات قرآن را بررسی کرده است و برای هر کدام آیاتی را برای مثال مطرح می‌کند.

۱-۱۲. اراده تکوینی

همان‌طور که از نام آن آشکار است، عبارت است از حقیقت اراده و حمل شایع آن که ذات باری یا فاعل مرید بشری، اراده واقعی بر انجام عملی دارد.

۱۲-۲. اراده تشریحی

اراده انجام دادن دیگری عملی را از روی رضا و اختیار خویش است. (فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ۸۳/۸۲) در حقیقت ایشان از معلومات کلامی و فلسفی در تبیین تفسیر آیه شریفه غافل نبود.

۱۳. لزوم کاربرد علم و علمی

منظور از علم و علمی در عنوان قاعده علم و علمی، علم اصول فقه است. در اصطلاح به برهان عقلی و دلیل نقلی قطعی علم و به دلیل‌های نقلی ظنی معتبر که دلیل قطعی بر اعتبار آنها باشد، علمی گفته می‌شود. (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۲۶۲) استفاده تفسیری از آیات، روایات، اخبار تاریخی، روایات و آرای صحابه و تابعان، آرای مفسران، اقوال و آرای لغت‌دانان از جمله کاربرد علم و علمی در تفسیر محسوب می‌شود که ایشان از همه آنها در تفسیر خود استفاده کرده‌اند. آرای مفسران یکی از مصادیق کاربرد علمی در تفسیر است که اعتبار مطلق ندارد و نمی‌توان آن را مبنای تفسیر قرار داد. در عین حال می‌توان گاهی از ادله و شواهدی که مفسران برای نظر خود ذکر کرده‌اند برای پی‌بردن به معنا و مراد آیات کمک گرفت (بابایی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۲۳۱). ایشان در تفسیر خود به نظر مفسر اهل سنت، آلوسی اشاره کرده است.

مفتی بغداد شهاب‌الدین سید محمود آلوسی بغدادی متوفای ۱۲۷۰ با آنکه مختار وی در آیه تطهیر اراده تکوینی است اشکالی طرح کرده و گویا از جواب آن عاجز است که به صورت طرح و بدون پاسخ می‌گذرد (فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ص ۹۴). ایشان نظر آلوسی را در مورد تکوینی بودن اراده الهی در آیه تطهیر قبول دارد، ولی اشکالی را که آلوسی مطرح کرده است را رد می‌کند. به این ترتیب ایشان نظر مفسران را در صورتی که براساس قرائن عقلی و نقلی باشد، می‌پذیرد و در غیر این صورت رد می‌کند.

۱۴. در نظر گرفتن قواعد عربی

برای فهم و تبیین مفاد آیات کریمه قرآن علاوه بر دانستن مفاهیم عرفی ماده کلمات، شناختن معانی و نکاتی که ساخت و قالب‌های ترکیبی و موقعیت ویژه کلمه‌ها و جمله‌های آیات بر آن دلالت دارند نیز لازم و ضروری است و تبیین مفاد آیات کریمه بدون شناخت امر یادشده غیرممکن و یا ناقص خواهد بود. اگرچه روشن است که دستیابی به این امور تنها از طریق قواعد

ادبیات عرب میسر است که در علم صرف، نحو، معانی و بیان آمده است. زبان قرآن فصیح‌ترین زبان عربی است و باید معانی امر و تشبیه‌ها و استعاره‌ها و کاربردهای مجازی و تعبیرهای کنایی قرآن کریم را مطابق با قواعد ادبی برگرفته از فصیح‌ترین گفتارها و نوشتارهای عربی به دست آورد و آیات کریمه بر مبنای آن تفسیر کرد. (بابایی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۱۰۶؛ ر.ک.، فاکر میبیدی، ۱۳۸۵، ص ۶۰) آیت‌الله فاضل لنکرانی در تفسیر خود موارد متعدد از این قاعده استفاده کرده است. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- دلیل بر اینکه لیدهب، مفعول به است آن است که در برخی آیات دیگر کلمه یزید در یک مورد گاهی با حرف لام آمده است و گاهی با حرف ان. برای مثال آیه ۵۵ سوره توبه می‌فرماید: «انما یریدالله لیعدبهم بها فی الحیاه الدنیا» و در آیه ۸۵ همین سوره آمده است: «انما یریدالله ان یعدبهم به فی الدنیا». از ملاحظه دو آیه، معلوم می‌شود که حرف لا در آیه اول، لام غایت نیست بلکه به همان معنای ان است که در آیه دوم آمده است و جای تردید نیست که عبارت ان یعدبهم در آیه دوم مفعول به کلمه یزید است البته با تأویل به مصدر (فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ص ۱۰۱).

- کلمه اهل‌البیت یک عنوان مشیر است و حکایت از سرگذشت حادثه‌ای دارد و به عبارت دیگر کلمه البیت اشاره به بیته است از بیوت زنان نبی اکرم صلی الله علیه و آله و حرف الف و لام برای عهد است و اهل‌البیت کسانی هستند که در آن بیت معین بیت ام سلمه براساس تعیین روایات در روز معینی اجتماع کردند و آیه در شأن این افراد نازل شد و مفاد آن همان‌طور که گفته شد اثبات برتری‌هایی برای آن مردم است، ولی از این عده خاص به‌عنوان اهل‌البیت یاد شده است. آیاتی که قبل از آیه تطهیر و بعد از آن است از کلمه بیت نیز یاد کرده است، ولی به صورت جمع و با اضافه به بانوان و کلمه بیوتکن قبل از این آیه و بعد از آن ذکر شده است. بنابراین، کلمه البیت اشاره به بیت خاصی از همان بیوت است؛ یعنی اطاق مخصوصی از همان اطاق‌ها و چون کلمه بیوتکن معنای غیر از اطاق خانم‌ها ندارد، البیت هم اطاقی است از همان قماش و با آمدن الف و لام یک بیت از آن بیوت، بنام بیت ام سلمه مشخص شده است که به اتفاق فریقین و شهادت روایات، آیه در آن مکان تاریخی نازل شد. (فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ص ۱۱۴)

۱۴. لزوم توجه به مفاهیم کلمات در میان عرب‌های فصیح زمان نزول

در تفسیر قرآن باید مفاهیم کلمات آیات در میان عرب زبان فصیح و مرتبط با مخاطبان قرآن در زمان نزول شناسایی شوند و ظهور آیات با توجه به آن مفاهیم به دست آید و از تفسیر آیات براساس مفاهیم کلمات در میان اقوام غیر فصیح یا غیر مرتبط با مخاطبان زمان نزول و از جمله معانی پدیدآمده در زمان‌های متأخر از زمان نزول پرهیز شود. (بابایی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۸۲) ایشان برای معنای رجس در آیه تطهیر می‌فرماید: «کلمه رجس در قرآن کریم ۱۰ مورد استعمال شده و در ده آیه به چشم می‌خورد و از توجه به این آیات، معنای رجس واضح می‌شود. البته رجس معنی جامعی دارد که از آن می‌توان تعبیر به پلیدی کرد، اما پلیدی و آلودگی روح، منشأهای مختلف دارد و عوامل گوناگونی مؤثر در پدیدآمدن آن است و از آن عوامل هم تعبیر به رجس در قرآن کریم شده است» (فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ص ۱۰۴). از دو آیه ۹۰ و ۹۱ سوره مائده معنای رجس ظاهر است. شراب، روح عقلانی را زایل می‌کند. قمار موجب کینه‌ورزی و پرورش نفس رذیلت‌خواه است و نتیجه زوال خرد، تربیت رذایل در حومه نفس، عدم توجه به حق و اعتنای به غیب عالم و پرواز به آسمان انسانی است و این پدیده‌ها یعنی، بی‌خردی و رذیلت‌خواهی در لغت قرآن کریم نامش رجس است، اما از عوامل این پدیده‌ها که شراب و قمار است تعبیر به این کلمه شده است. پیداست که این عوامل به اعتبار آثارش عنوان رجس پیدا کرده‌اند و اثر آن در هنگام ارتکاب ظاهر می‌شود. از این جهت در ذیل آیه آمده است: «من عمل الشیطان؛ کار شیطان است» و به تحریک او تحقق می‌پذیرد و خواسته او از این تحریک همان است که آیه ۹۱ گوشزد فرمود. بنابراین، رجس حقیقی همان نتایجی است که شیطان از این چهار چیز انتظار دارد و به خاطر آن مردم ناآشنا را تحریک می‌کند (فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ص ۱۵). ایشان در ابتدا به اینکه رجس معنای جامعی دارد، دقت داشت، ولی به نظر لغت‌شناسان در این باره اشاره نکرده است و به بررسی معنای رجس در آیات قرآن پرداخته است. این فقیه برای فهمیدن معنای رجس از گفتار ابن عباس به عنوان یکی از مستنداتش استفاده کرده است. هر چند ابن عباس در مبحث لغت‌شناسی هم مطرح است، ولی به نظر می‌رسد ایشان به این دلیل به قول ابن عباس استناد کرده است که فرد عرب در عصر نزول بوده است و از نظر توجه به معنای واژگان در عصر نزول به قول ابن عباس استناد کرده است نه از حیث لغت‌شناس بودن ابن عباس.

۱۵. قاعده تمایز و معنای حقیقی لفظ از غیر آن

یکی از مباحث مهم درباره معانی الفاظ که در دانش‌های اصول الفقه، معانی و بیان و تفسیر مورد توجه قرار گرفته است مبحث معنای حقیقی لفظ و تمایز آن از معنای مجازی، کنایی و ... است که با مبحث وضع الفاظ نیز پیوند می‌خورد. از آنجا که این مباحث تأثیر زیادی در فهم واژگان قرآن دارد مورد توجه دانشمندان علوم قرآن و قواعد تفسیر نیز قرار گرفته است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸، ۳۶۴/۱ و فاکر میبیدی، ۱۳۸۵، ص ۷۹) کلمه اراده مانند سایر کلمات در تشخیص معنای آن باید ظهور نوعی آن ملاحظه کرد و اگر لفظی استعمال در غیر معنای ظاهر شود، پیداست که این استعمال محتاج قرینه است و با نبود آن حمل بر معنای ظاهر می‌شود. شکی نیست که ظهور اراده در معنای تکوینی است و استعمال آن نیز در این معنی شایع و فراوان است به طوری که می‌توان گفت: «استعمال این کلمه در تشریحی که منظور نفس تکالیف از اوامر و نواهی باشد اندک و نادر است». در قرآن کریم در ۱۳۸ مورد، کلمه اراده به کاررفته و قریب ۱۳۵ مورد آن در تکوینی استعمال شده است. نتیجه اینکه در صورت شک که اراده در آیه تطهیر به کدام یک از آن دو معنی قابل حمل است به ملاک ظهور و کثرت استعمال چاره جز این نیست که گفته شود معنای تکوینی آن اراده شده است مگر قرینه برخلاف باشد (فاضل لنکرانی و اشراقی، ۱۳۴۹، ص ۹۰).

۱۶. نتیجه‌گیری

علمای راستین تشیع همواره با ابزارهای عقلانی و استدلالی به حفظ میراث رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که قرآن و حدیث باشد، همت گماشته‌اند و در عرصه تبلیغ دین و مکتب اسلام و احکام الهی عمر خویش را وقف کرده‌اند تا به نسل‌های آینده برسد. آیت‌الله فاضل نیز از جمله علمای سخت‌کوشی است که با استفاده از توانمندی‌های لازم علمی در بخش‌های مختلف پاسخ‌گوی نیازهای دینی مردم است و در حاکمیت ارزش‌های دینی و تحقق آنها در جامعه نقش مهمی را ایفا کرده است. مجتهد عالی قدر آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمته الله علیه در تفسیر آیاتی که از ایشان به جای مانده است روشمند عمل کرده است. ایشان در تفسیر آیه تطهیر با بهره‌گیری از قواعد تفسیری از جمله قرائن متصل لفظی و غیر لفظی، قرائن منفصل، توجه به مفاهیم کلمات در زمان نزول، قواعد ادبیات عرب، مبنا قراردادن علم و علمی، تمایز بین معنای حقیقی لفظ از غیر آن ثابت کرد که این آیه مستقل از قبل و بعد خود نازل شده است و این آیه منحصر به پیامبر

اکرم عليه السلام، حضرت علی عليه السلام، حضرت فاطمه عليها السلام و حسنین عليهم السلام است و پنج تن آل عبا با اراده تکوینی خداوند متعال از هرگونه امراض قلبی مبرا هستند؛ زیرا موقعیت زمامداری و ولایت عالم هستی متعلق به ایشان است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. بابایی، علی اکبر (۱۳۹۴). قواعد تفسیر قرآن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۲. بابایی، علی اکبر، روحانی‌راد، مجتبی، و عزیزی کیا، غلامعلی (۱۳۷۹). روش‌شناسی تفسیر قرآن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۳. رجیبی، محمود (۱۳۸۳). روش تفسیر قرآن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۰). منطق تفسیر قرآن. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی عليه السلام.
 ۵. رضایی هفتادار، حسن، و زارعی، مجید (۱۳۹۷). کارکردهای قاعده تعلیق حکم علی الوصف المشعر بالعلیه در تفسیر آیه التطهیر. نشریه علوم قرآن و حدیث، پژوهش‌های قرآنی، ۸۶(۲۳)، ۵۳-۳۰.
 ۶. شیخ بهائی، محمد مجید، و رحمان ستایش، محمد کاظم. بررسی تطبیقی روایات تفسیری آیه ذنب النبی عليه السلام بر پایه قواعد تفسیری. پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، ۲(۴)، ۱۸۶-۱۵۹.
 ۷. فاضل لنکرانی، محمد، و اشراقی، شهاب‌الدین (۱۳۴۹). اهل‌البیت (چهره‌های درخشان آیه تطهیر). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۸. فاکر المیبدی، محمد (۱۳۸۵). قواعد التفسیر لدی الشیعه و السنه. قم: المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه.